

بررسی مؤلفه های بازدارنده توسعه پایدار روستایی از دیدگاه کارشناسان

فاطمه احمدی*

کارشناس ارشد رشته جغرافیا، برنامه ریزی روستایی، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، ایران

اشرف سجادی

کارشناس ارشد رشته جغرافیا، برنامه ریزی روستایی، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۴/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۰۵

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی مؤلفه های بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران انجام شده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه ای ساختارمند بود که روایی محتوایی آن با کسب نظرات گروهی از کارشناسان مورد بررسی و اصلاحات لازم صورت گرفت. ضریب اعتبار آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ به دست آمد. جامعه آماری مورد نظر شامل کارشناسان مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی بود ($N=150$) که از این میان، تعداد ۱۰۸ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده با استفاده از جدول گرجسی و مورگان انتخاب و در نهایت، ۱۰۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با استفاده از تحلیل عاملی، مؤلفه های بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران در ده عامل «ضعف در صنعت گردشگری روستایی، مدیریت نادرست اراضی، نارسایی های نظام ترویج کشاورزی، فقدان مشارکت جوامع محلی در برنامه های توسعه روستایی، محیط سیاسی حاکم بر بخش کشاورزی، غفلت از دانش بومی روستاییان، عدم توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی در روستاها، بهره برداری بیش از حد از منابع طبیعی، محیط مالی و اداری حاکم بر کشور و فقدان زیرساخت های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها» شدند. این عوامل ۸۲/۵۳ درصد از واریانس چالش های توسعه پایدار روستایی در ایران را تبیین می کنند.

واژه های کلیدی

تحلیل عاملی، مؤلفه بازدارنده، توسعه پایدار روستایی، ایران

مقدمه

نقش و جایگاه‌ها روستاها در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸). امروزه، همگان بر این مورد توافق دارند که توسعه روستایی فراتر از توسعه کشاورزی است و دربرگیرنده اهمیت اقتصادی و پتانسیل‌های درآمدزا در موضوعات متنوعی از قبیل فعالیت‌های غیرزراعی، گردشگری روستایی، صنایع دستی، فعالیت‌های بیرون از مزرعه، توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی می‌باشد (Rivera & Qamar, 2003). (Madu, 2007) با توجه به ماهیت چند بُعدی توسعه، بیان می‌کند که توسعه روستایی ابزاری برای کمک به مردم روستایی است تا نیازهای‌شان را به‌واسطه سازمان‌های بومی و مؤثر اولویت بندی کنند. این سازمان‌ها توانایی محلی را فراهم می‌آورند، در زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی برای مردم روستایی مخصوصاً زنان، سرمایه‌گذاری می‌کنند. وی در ادامه بیان می‌کند که توسعه روستایی محیط فرهنگی-اجتماعی روستا را بهبود می‌بخشد و باعث تقویت توانایی افراد برای کسب درآمد و رفاهی پایدار می‌شود.

از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، به دلیل بحران‌های شدید زیست محیطی، نظریه توسعه پایدار مورد توجه مجامع جهانی قرار گرفته است. معنای توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی نیست، بلکه برداشتی نو از توسعه و رشد اقتصادی است، رشدی که بدون تخریب منابع طبیعی و برهم زدن تعادل زیست محیطی، عدالت و امکانات زندگی را برای همه مردم و نه فقط قشرهایی محدودی از جامعه فراهم آورد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). تحقق توسعه پایدار در یک محیط روستایی در گرو آن است که توان‌های بالقوه زیست بوم، نیروی انسانی، فناوری و منابع مالی متعلق‌بدان محیط و درخور آن در نظر گرفته شوند و پایداری چنان توسعه‌ای تنها در چنین محیطی امکان پذیر خواهد بود (مخدوم، ۱۳۸۴). در چارچوب نظریه توسعه پایدار روستایی، جامعه روستایی به گونه‌ای توأمان و یکپارچه مطمح نظر قرار می‌گیرد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸). با این نگرش، توسعه پایدار روستایی عبارت است از فرایند کمک به مردم روستایی از طریق اولویت بندی نیازهای‌شان، فعال نمودن آنان و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت و برابری با توجه به ظرفیت‌های محلی، و رفتار به خلاف همه بی‌عدالتی‌های گذشته و تضمین سلامتی و امنیت آن‌ها به‌ویژه زنان (دستی و همکاران، ۱۳۸۷).

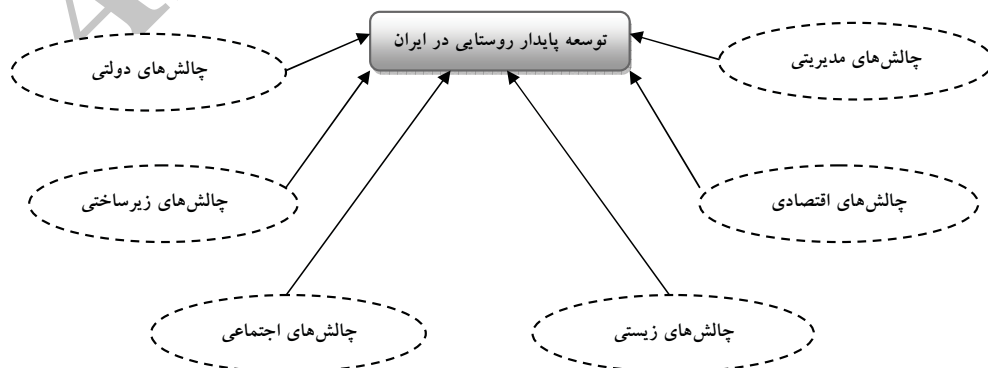
حال، سؤالی که ذهن برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه روستایی را به خود مشغول کرده است، این است که با توجه به شرایط جوامع روستایی ایران، چه چالش‌ها و مشکلاتی پیرامون توسعه این رهیافت پایداری وجود دارند؟ از این رو، مطالعات متعددی پیرامون شناسایی این چالش‌های توسعه پایدار روستایی در ایران صورت گرفته است که هر کدام از این مطالعات با نگرشی خاص و با استفاده از یک بُعد ویژه پایداری به بررسی این چالش‌ها پرداخته‌اند (شمس و همکاران، ۱۳۸۸؛ محبوبی، ۱۳۸۸؛ صالحی، ۱۳۸۸؛ بخشی جهرمی و توحیدیان فر، ۱۳۸۸؛ مدهوش و ناصرپور، ۱۳۸۲؛ ادیب و همکاران، ۱۳۸۸؛ چالشگر و بردارن، ۱۳۸۸). اما الگوی جامع و چندبُعدی در واقع الگویی سیستماتیک محسوب می‌گردد که کلیه ابعاد پایداری توسعه روستایی را در نظر می‌گیرد. این الگو جنبه‌های مختلف توسعه پایدار روستایی را مورد بررسی قرار داده و از نگرش تک‌بعدی به مسئله توسعه روستایی که فاقد اثربخشی و کارایی لازم است، اجتناب می‌نماید و بنابراین از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. از این رو، امروزه توجه محققان، بیشتر به انجام مطالعاتی با ترکیبی از ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) سوق پیدا کرده است (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸ الف؛ کریم و هاشمی، ۱۳۸۸ ب؛ شفقت و همکاران، ۱۳۸۸؛ یدقار، ۱۳۸۳): (Kalantari et al., 2008). کریم و هاشمی (۱۳۸۸ الف) در تحقیقی منطقه‌ای به بررسی چالش‌های توسعه پایدار روستایی در دهستان جزینک استان سیستان و بلوچستان با استفاده از نظرات روستاییان پرداختند. آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی، ۶۱ متغیر بازدارنده توسعه پایدار روستایی را در پنج عامل محیط اقتصادی، دولتی و نهادی، محیط اجتماعی، نحوه رفتار و حفاظت پایدار از منابع پایه، محیط اکولوژیک و زیست-محیط و شیوه مدیریت منابع پایه خلاصه کردند. این عوامل در مجموع توانستند ۸۹ درصد از واریانس چالش‌های توسعه پایدار روستایی در منطقه جزینک را تبیین کنند. کریم و هاشمی (۱۳۸۸ ب) در تحقیقی منطقه‌ای به بررسی چالش‌های توسعه پایدار روستایی در دهستان ساروق شهرستان اراک پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که شش عامل چالش‌های پایداری مناطق جنگلی، آب و خاک، طرح‌های عمرانی دولتی، استفاده پایدار از ذخایر محیط، اشتغال و درآمد، محیط نهادی، بهداشت و رفتار مطمئن با سموم و مواد شیمیایی و آشکال پایدار سکونتگاه‌های انسانی در مجموع، ۸۵ درصد از واریانس چالش‌های توسعه پایدار روستایی را تبیین می‌کنند.

شفقت و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی استانی به بررسی چالش‌های عملی توسعه پایدار روستایی در استان مازندران پرداختند. آن‌ها ۱۶ متغیر بازدارنده توسعه پایدار روستایی در استان مازندران را شناسایی

اجتماعی، دولتی و نهادی، برنامه ریزی و مدیریتی، زیست محیطی و زیرساختی، مؤثر هستند که در شکل شماره ۱ نشان داده شده اند. با توجه به اینکه در ایران، ۲۲/۲۳ میلیون روستایی در ۶۵۰۰۰ روستا زندگی می کنند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت های کشاورزی برای بقاء نیازمند هستند که بیشتر آن ها نیز در زیر خط فقر زندگی می کنند، توجه به جوامع روستایی و توسعه آنان از لحاظ پایداری از اهمیت دو چندانی برخوردار است (Kalantari et al., 2008).

همچنین، کریم و هاشمی (۱۳۸۸ الف) اظهار می دارند که توسعه پایدار مفهومی انتزاعی و اصطلاحی برای لقله زبان و سخنرانی های رسمی و غیررسمی نیست، بلکه گذشته از پشتوانه های فلسفی و نظری، انسان شناختی، جامعه شناختی، اقتصادی، سیاسی و مانند این ها، دارای راهکارهای علمی و شاخص های معین و شفاف برای درک عموم و پیگیری اجرایی مسئولان دولتی و غیردولتی در چارچوب برنامه های توسعه ملی است. با این همه، با وجود دگرگونی های عمیق در بسیاری از عوامل مؤثر برخاسته از شاخص های شفاف توسعه پایدار در بسیاری از مناطق شهری و به ویژه در مناطق روستایی کشورمان وجود ندارد و زمینه ایجاد آن ها نیز بدون برنامه ریزی های منسجم فراهم نخواهد شد. از این رو، می توان گفت که تاکنون راهکارهای اجرایی توسعه پایدار مورد غفلت جدی قرار گرفته است. در شرایط نبود برنامه ای منسجم برای ایجاد عواملی مؤثر در توسعه پایدار که اغلب برخاسته از شاخص های شفاف توسعه پایدار هستند، به ویژه در مناطق روستایی کشورمان، در قالب چالش اصلی رویارویی توسعه پایدار، اغلب این تصور در اذهان عمومی ایجاد شده

کردند که در این بین، متغیرهای سطح دانش و آگاهی پایین روستاییان، استفاده بیش از حد از نهاده های خارجی، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و مرتعی به کاربری های مسکونی و فعالیت های صنعتی، روند رو به افزایش مهاجرت از روستاها و تخلیه روستاها، بهره برداری بی رویه و غیراصولی از منابع آب و خاک، مشارکت کم روستاییان، فقر، بیکاری و کمبود فرصت های اشتغال در روستاها، شکل گیری کند نهادهای محلی روستایی، نبود تنوع شغلی، عدم توجه به ملاحظات زیست-محیطی در برنامه های توسعه روستایی، عدم توجه به دانش بومی و عدم وجود فرصت های برابر توسعه در بین جوامع شهری و روستایی مهم ترین چالش های توسعه پایدار روستایی بودند. یدقار (۱۳۸۳) در تحقیقی ملی به بررسی چالش های عمران و توسعه روستایی در ایران پرداخت. نتایج تحقیق وی چالش های اساسی توسعه پایدار روستایی در ایران را نابسامانی تغییرات و تحولات محیط روستایی، ضعف شناخت از جامعه روستایی، فقدان ساختاری مناسب برای مدیریت توسعه، نابسامانی نظام استقرار، عدم گسترش بخش های نوین اقتصادی، محدودیت های تأمین اشتغال، محدودیت های خدمات رسانی به روستاها، نابسامانی در مدیریت سرزمین و کاربری اراضی، عدم ارتقاء بهره وری از منابع پایه ای تولید در محیط روستایی و دشواری های مشارکت و تشکیل سرمایه اجتماعی نشان می دهد. Kalantari et al. (2008) در تحقیقی ملی به بررسی مسایل و مشکلات پیش روی توسعه پایدار روستایی در ایران پرداختند. آن ها ۴۸ متغیر بازدارنده توسعه پایدار روستایی را در پنج عامل اقتصادی، برنامه ریزی و مدیریتی، زیست محیطی، اجتماعی و زیرساختی خلاصه کردند. با استفاده از پژوهش های فوق، می توان گفت که مؤلفه های بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران اقتصادی،



شکل ۱. مؤلفه های نظری بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران

بازاریابی و تجارت خارجی، اجتماعی و حقوقی و فرهنگ ده‌های ایران، نظام‌های مدیریتی بخش کشاورزی و نظام‌های بهره‌برداری بخش کشاورزی می‌باشد.

جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نظر، پرسشنامه‌های بر اساس مرور ادبیاتی پژوهش (شمس و همکاران، ۱۳۸۸؛ محبوبی، ۱۳۸۸؛ صالحی، ۱۳۸۸؛ بخشی جهرمی و توحیدیان فر، ۱۳۸۸؛ مدهوش و ناصرپور، ۱۳۸۲؛ ادیب و همکاران، ۱۳۸۸؛ چالشگر و برادران، ۱۳۸۸؛ کریم و هاشمی، ۱۳۸۸؛ کریم و هاشمی، ب؛ شفقت و همکاران، ۱۳۸۸؛ یدقار، ۱۳۸۳)؛ (Kalantari et al., 2008) و نظرخواهی از صاحب‌نظران این حوزه در دو بخش تهیه شد. بخش اول پرسشنامه برای سنجش مؤلفه‌های بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران طراحی شده بود که شامل ۳۲ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌قسمتی (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) و بخش دوم نیز، به بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان از قبیل سن، سابقه خدمت، جنسیت و سطح تحصیلات می‌پرداخت. جهت تعیین روایی پرسشنامه، چندین نسخه از آن در اختیار گروهی از متخصصان شامل استادان علوم ترویج و آموزش کشاورزی، توسعه روستایی و تعدادی از کارشناسان جهاد کشاورزی قرار داده شد و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادها آن‌ها صورت گرفت. جهت تعیین ضریب اعتبار، تعداد ۲۰ پرسشنامه، خارج از پاسخگویان نمونه (گروه برنامه ریزی مؤسسه مذکور) توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های مذکور، داده‌ها وارد کامپیوتر شد و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، اعتبار پرسشنامه ۰/۸۳ به دست آمد. روش آماری مورد استفاده تحلیل عاملی بود. تحلیل عاملی زمانی که هدف محقق یافتن عامل‌های مکنون جهت تلیخیص داده‌ها از بین مجموعه‌ای از آن‌ها باشد، روش کارآیی است. هدف بیشتر مطالعات تحلیل عاملی خلاصه کردن ماتریس همبستگی‌ها به شیوه‌ای است که بتوان آن‌ها را برحسب چند عامل زیربنایی تبیین کرد. برای پردازش داده‌ها نیز از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۴ استفاده گردید.

یافته‌ها

الف- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان

میانگین سن پاسخگویان ۴۴ سال با انحراف معیار ۷ سال است و کمترین سن پاسخگویان ۲۹ و بیشترین سن آنان ۵۴ سال بوده است که بیشترین آن‌ها (۴۶ نفر یا ۴۴/۷۰ درصد) در گروه سنی ۴۶-۵۴ سال قرار داشتند. میانگین سابقه خدمت پاسخگویان نیز ۱۹ سال با انحراف معیار ۸ سال بود که بیشترین آن‌ها (۵۰ نفر یا ۴۸/۵۰) در گروه سابقه خدمتی

که توسعه‌واژه انتزاعی و دور از واقعیت است. به نظر می‌رسد که با بررسی چالش‌های توسعه پایدار بتوان ابعاد مشکلات و مسایل رویاروی توسعه پایدار روستایی را جدی‌تر به نمایش گذاشت و در تکاپوی یافتن راهکارهای مقابله با این چالش‌ها بود. از این رو، این تحقیق نیز در راستای تحقیقات پیشین و برای پاسخگویی به این سؤال اصلی طراحی شده است که جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با چه مسایل و مشکلاتی روبه‌رو هستند.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، شناسایی مؤلفه‌های بازدارنده توسعه پایدار در جوامع روستایی است که برای تحقق این هدف کلی، اهداف اختصاصی توصیف ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و شناسایی چالش‌های توسعه پایدار در جوامع روستایی مدنظر می‌باشند.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی، همبستگی با استفاده از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه کارشناسان مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی بود (N=۱۵۰) که از این میان، تعداد ۱۰۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری با استفاده از جدول Krejcie & Morgan (1970) انتخاب و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید و در نهایت، ۱۰۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (n=۱۰۳). قابل ذکر است که کلاتنتری (۱۳۸۲) در رابطه با حجم نمونه تأکید دارد که تعداد نمونه نباید کمتر از ۵۰ مورد باشد و ترجیحاً باید حجم نمونه را به بیش از ۱۰۰ مورد افزایش داد. به عنوان یک قاعده کلی تعداد نمونه باید در حدود چهار یا پنج برابر تعداد متغیرهای مورد استفاده باشد.

این مؤسسه به منظور تحقق بخشی از وظایف پژوهشی و پاسخگویی به نیازهای پژوهشی کشور در زمینه احیاء و توسعه کشاورزی و روستایی بعد از ادغام «مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی»، «دفتر بررسی‌های اقتصادی طرح‌های تحقیقاتی در وزارت کشاورزی» و «مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی»، «دفتر برنامه ریزی توسعه روستایی» و همچنین «کارشناسان مسئول مطالعات اقتصادی-اجتماعی در مراکز تحقیقاتی استانی» در وزارت جهاد سازندگی فعالیت خود را آغاز نموده است. هم‌اکنون، این مؤسسه شامل نه‌گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی، برنامه‌ریزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، اقتصاد تولید و بهره‌وری، سیاست‌های حمایتی،

جدول ۱. توصیف ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخگویان (n=۱۰۳)

متغیرها	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
جنسیت	مرد	۶۸	۶۶	-	-
	زن	۳۵	۳۴	-	-
سطح تحصیلات	کاردانی	۲۸	۲۷/۱۸	-	-
	کارشناسی	۲۷	۲۶/۲۱	-	-
	کارشناسی ارشد	۳۱	۳۰/۰۹	-	-
	دکتري تخصصی	۱۷	۱۶/۵۲	-	-
سن	۲۹-۳۷	۲۲	۲۱/۴۰	۴۳/۶۳	۶/۹۴
	۳۸-۴۶	۳۵	۳۴		
	۴۶-۵۴	۴۶	۴۴/۷۰		
سابقه خدمت	زیر ۱۰	۲۴	۲۳/۳۰	۱۸/۷۷	۷/۶۳
	۱۰-۲۰	۵۰	۴۸/۵۰		
	بالای ۲۰	۲۹	۲۸/۲۰		

به مشارکت جوامع محلی در برنامه ریزی های توسعه روستایی»
 (CV = ۲۰/۴۹)، «عدم برقراری رابطه منطقی شهر - روستا برای
 تهیه خدمات اقتصادی- اجتماعی» (CV = ۲۰/۷۱) و «عدم وجود
 مشوق ها و تضمین لازم جهت گسترش سرمایه گذاری بخش
 خصوصی و ضعف دولت در این زمینه» (CV = ۲۱/۰۷) هستند.

ج. تحلیل عاملی مؤلفه های بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران

در تحقیق حاضر از تحلیل عاملی اکتشافی با رویکرد تلخیص داده ها استفاده شده است.

بررسی آزمون KMO^1 و بارتلت χ^2 : در این تحقیق مقدار KMO برابر با ۰/۸۳ به دست آمد که نشان می دهد وضعیت داده ها برای تحلیل عاملی در حد خوب است. از طرفی، آماره بارتلت نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($\chi^2 = 55.83/87.1$ و $p = 0/000$) که حاکی از این موضوع است که ماتریس همبستگی هایی که پایه تحلیل عاملی قرار می گیرند در جامعه برابر با صفر نیست.

ت تعیین میزان اشتراک متغیرها با عوامل: در این تحقیق، مبنای معنی داری بار عاملی ۰/۵۰ تعیین شد.

تعیین تعداد عوامل: برای تعیین تعداد عوامل با توجه به ملاک کیسر^۳

۱۰-۲۰ سال قرار داشتند که حاکی از تجربه بالای آن ها در حوزه روستا و مسایل آن می باشد. همچنین نتایج جدول شماره ۱ نشان می دهد که جنسیت و سطح تحصیلات اکثریت پاسخگویان، به ترتیب، مرد (۶۸ نفر یا ۶۶ درصد) و کارشناسی ارشد (۳۱ نفر یا ۳۰/۰۹ درصد) است. در نهایت این که رشته تحصیلی اکثریت پاسخگویان، جغرافیای انسانی (۱۹ نفر یا ۱۸/۴۰ درصد)، اقتصاد کشاورزی (۱۸ نفر یا ۱۷/۵۰ درصد) و توسعه روستایی (۱۸ نفر یا ۱۸/۵۰ درصد) بوده است.

ب- اولویت بندی متغیرهای بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران

در این تحقیق برای اولویت بندی متغیرهای بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران از ۳۲ گویه استفاده شد. برای سنجش دیدگاه پاسخگویان نسبت به متغیرهای بازدارنده توسعه پایدار روستایی از طیف لیکرت پنج قسمتی استفاده گردید که از خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) رتبه بندی شده بودند. جدول شماره ۲، نظرات پاسخگویان درباره متغیرهای مهم بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران را نشان می دهد. ضریب تغییرات هر یک از گویه ها نشان می دهد که پنج متغیر مهم بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران، به ترتیب، «عدم هماهنگی بین دستگاه های تولیدی، توزیع مالی در زمینه های کشاورزی» (CV = ۱۶/۲۰)، «فقدان سازمان اجرایی مناسب برای اجرای طرح های سرمایه گذاری در روستاها» (CV = ۲۰/۳۴)، «عدم اعتقاد مسئولان دولتی

1. Kaiser-Meyer-Olkin

2. Bartlett Test

3. Kaiser Criteria

جدول ۲. اولویت بندی متغیرهای بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران (n=۱۰۳)

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین ^۰	گروه ها
۱	۱۶/۲۰	۰/۶۵	۴/۰۱	عدم هماهنگی بین دستگاه-های تولیدی، توزیع و مالی در زمینه-های کشاورزی
۲	۲۰/۳۴	۰/۸۲	۴/۰۳	فقدان سازمان اجرایی مناسب برای اجرای طرح-های سرمایه-گذاری در روستاها
۳	۲۰/۴۹	۰/۸۳	۴/۰۵	عدم اعتقاد مسئولان دولتی به مشارکت جوامع محلی در برنامه-ریزی-های توسعه روستایی
۴	۲۰/۷۱	۰/۸۷	۴/۲۰	عدم برقراری رابطه منطقی شهر - روستا برای تهیه خدمات اقتصادی-اجتماعی
۵	۲۱/۰۷	۰/۸۲	۳/۸۹	عدم وجود مشوق-ها و تضمین لازم جهت گسترش سرمایه-گذاری بخش خصوصی و ضعف دولت در این زمینه
۶	۲۱/۲۲	۰/۸۰	۳/۷۷	ضعف مالی روستاییان
۷	۲۱/۴۴	۰/۸۰	۳/۷۳	عدم هماهنگی و تفاوت بین نحوه عمل و بروکراسی-های خاص دولتی و نیازمندی-های طرح-های توسعه
۸	۲۱/۹۰	۰/۷۶	۳/۴۷	اختصاص ناکافی منابع مالی به پروژه-های روستایی از طرف دولت
۹	۲۱/۹۶	۰/۸۷	۳/۹۶	بروکراسی شدید اداری حاکم بر کشور
۱۰	۲۳/۱۵	۰/۹۴	۴/۰۶	روند سیاسی حاکم بر تصمیم-گیری-ها در بخش کشاورزی
۱۱	۲۳/۱۹	۰/۹۳	۴/۰۱	عدم ارتباط بین نهادهای تحقیقاتی، ترویجی و کشاورزان
۱۲	۲۳/۵۴	۰/۹۳	۳/۹۵	دیگته برنامه-ها از بالا به پایین
۱۳	۲۳/۵۸	۰/۷۹	۳/۳۵	تعریف و برداشت نادرست از نقش نظام ترویج کشاورزی و خدمات آموزشی آن
۱۴	۲۴/۹۳	۱/۰۳	۴/۱۳	نقش کم جوامع محلی در تصمیم-گیری-ها
۱۵	۲۵	۰/۹۱	۳/۶۴	عدم توجه به محیط زیست در برنامه-های توسعه روستایی
۱۶	۲۵/۷۷	۰/۹۱	۳/۵۳	عدم وجود یک سیاست مدون و برنامه-ریزی دقیق جهت تسریع روند توسعه مکانیزاسیون
۱۷	۲۶	۰/۹۱	۳/۵۰	بهره-برداری بیش از حد از منابع خاک که منجر به فرسایش آن شده است
۱۸	۲۶/۷۵	۱/۰۳	۳/۸۵	فقدان زیرساخت-های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها
۱۹	۲۷/۰۴	۰/۹۶	۳/۵۵	وجود سازمان-های مستقل با رویکردی متمایز فعال برای هر یک از ابعاد توسعه روستایی که غالباً در ارتباط و هماهنگی با یسته نیستند
۲۰	۲۷/۱۲	۰/۹۹	۳/۶۵	پراکندگی اراضی روستاییان
۲۱	۲۷/۴۲	۰/۹۶	۳/۵۰	نبود انگیزه مشارکت کارگروهی در بین کشاورزان و فقدان تشکل-های زراعی جهت انجام امور زراعی و مصارف بهینه آب
۲۲	۲۸/۴۹	۱/۰۲	۳/۵۸	فقدان شبکه گسترده خدمات ترویج کشاورزی با پوشش کافی برای مخاطبان
۲۳	۳۰/۲۴	۰/۹۸	۳/۲۴	برتری ایده انتقال تکنولوژی نسبت به توسعه منابع انسانی در فعالیت-های ترویجی
۲۴	۳۰/۵۱	۱/۱۲	۳/۶۷	عدم توجه به دانش بومی جوامع محلی
۲۵	۳۲	۱/۱۲	۳/۵۰	بهره-برداری بیش از حد از منابع آب زیرزمینی
۲۶	۳۲/۱۲	۱/۰۶	۳/۳۰	تلفات زیاد آب در مزارع کشاورزی به دلیل عدم آگاهی کشاورزان
۲۷	۳۳/۶۱	۱/۲۱	۳/۶۰	خرد و کوچک بودن اراضی روستاییان
۲۸	۳۴/۱۶	۱/۰۹	۳/۱۹	دانش فنی پایین روستاییان
۲۹	۳۴/۲۰	۱/۱۸	۳/۴۵	فقدان برنامه-ها و استراتژی-های مدون برای گردشگری روستایی
۳۰	۳۴/۶۰	۱/۱۸	۳/۴۱	ضعف آموزش و تبلیغات در زمینه توسعه فرهنگ گردشگری روستایی
۳۱	۳۵/۷۹	۱/۲۶	۳/۵۲	فقدان مهارت-های ادراکی در مدیران و سیاست-گذاران درباره گردشگری روستایی
۳۲	۳۵/۸۸	۱/۲۲	۳/۴۰	فقدان قدرت دولت برای کنترل واسطه-ها و دلالت بخش کشاورزی

* طیف لیکرت: خیلی کم=۱ کم=۲ متوسط=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵

جدول ۳. عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

شماره عامل	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
۱	ضعف در صنعت گردشگری روستایی	۴/۵۸۷	۱۳/۹۰۱	۱۳/۹۰۱
۲	مدیریت نادرست اراضی	۳/۳۲۸	۱۰/۰۸۵	۲۳/۹۸۶
۳	نارسایی های نظام ترویج کشاورزی	۲/۹۵۵	۸/۹۵۵	۳۲/۹۴۱
۴	فقدان مشارکت جوامع محلی در برنامه های توسعه روستایی	۲/۷۱۷	۸/۲۳۳	۴۱/۱۷۴
۵	محیط سیاسی حاکم بر بخش کشاورزی	۲/۶۶۸	۸/۰۸۴	۴۹/۲۵۸
۶	غفلت از دانش بومی روستاییان	۲/۶۰۹	۷/۹۰۷	۵۷/۱۶۵
۷	عدم توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی در روستاها	۲/۳۳۸	۷/۰۸۴	۶۴/۲۴۹
۸	بهره برداری بیش از حد از منابع تولید	۲/۲۱۵	۶/۷۱۱	۷۰/۹۶۰
۹	محیط مالی و اداری حاکم بر کشور	۲/۱۷۳	۶/۵۸۵	۷۷/۵۴۵
۱۰	فقدان زیرساخت های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها	۱/۶۴۷	۴/۹۹۲	۸۲/۵۳۷

جدول ۴. عامل ها و متغیرهای مربوط به چالش های توسعه پایدار روستایی در ایران به همراه بار عاملی

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
-۰/۷۵۱	فقدان برنامه ها و استراتژی های مدون برای گردشگری روستایی	ضعف در صنعت گردشگری روستایی
-۰/۸۷۹	ضعف آموزش و تبلیغات در زمینه توسعه فرهنگ گردشگری روستایی	
-۰/۹۲۰	فقدان مهارت های ادراکی در مدیران و سیاست گذاران درباره گردشگری روستایی	
-۰/۵۰۴	فقدان برنامه ها و استراتژی های مدون برای گردشگری روستایی	
-۰/۷۳۵	خرد و کوچک بودن اراضی روستاییان	مدیریت نادرست اراضی
-۰/۸۸۰	پراکندگی اراضی روستاییان	
-۰/۸۵۰	فقدان شبکه گسترده خدمات ترویج کشاورزی یا پوشش کافی برای مخاطبان	نارسایی های نظام ترویج کشاورزی
-۰/۶۵۱	برداشت نادرست از نقش نظام ترویج کشاورزی و خدمات آموزشی آن	
-۰/۷۵۵	برتری ایده انتقال تکنولوژی نسبت به توسعه منابع انسانی در فعالیت های ترویجی	
-۰/۶۸۵	نقص کم جوامع محلی در تصمیم گیری ها	فقدان مشارکت جوامع محلی در برنامه های توسعه روستایی
-۰/۶۵۴	عدم اعتقاد مسئولان دولتی به مشارکت جوامع محلی در برنامه ریزی های توسعه روستایی	
-۰/۸۷۶	دیکنه برنامه ها از بالا به پایین	
-۰/۸۴۱	روند سیاسی حاکم بر تصمیم گیری ها در بخش کشاورزی	محیط سیاسی حاکم بر بخش کشاورزی
-۰/۵۵۳	عدم هماهنگی بین دستگاه های تولیدی، توزیع و اعتباری در زمینه های کشاورزی	
-۰/۵۷۷	عدم توجه به دانش بومی جوامع محلی	غفلت از دانش بومی روستاییان
-۰/۷۶۷	عدم توجه به محیط زیست در برنامه های توسعه روستایی	
-۰/۷۹۱	فقدان سازمان اجرایی مناسب برای اجرای طرح های سرمایه گذاری در روستاها	عدم توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی در روستاها
-۰/۵۳۴	عدم وجود مشوق ها و تضمین لازم جهت گسترش سرمایه گذاری بخش خصوصی و ضعف دولت در این زمینه	
-۰/۷۶۴	بهره برداری بیش از حد از منابع آب زیرزمینی	بهره برداری بیش از حد از منابع تولید
-۰/۸۷۱	بهره برداری بیش از حد از منابع خاک که منجر به فرسایش آن شده است	
-۰/۵۰۹	اختصاص ناکافی منابع مالی به پروژه های کشاورزی از طرف دولت	محیط مالی و اداری حاکم بر کشور
-۰/۷۸۸	بروکراسی شدید اداری حاکم بر کشور	
-۰/۶۷۶	عدم برقراری رابطه منطقی شهر - روستا برای تهیه خدمات اقتصادی - اجتماعی	فقدان زیرساخت های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها
-۰/۸۵۲	فقدان زیرساخت های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها	

اجتماعی و عدم وجود مشوق‌ها و تضمین لازم جهت گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ضعف دولت در این زمینه، از دیگر متغیرهای بازدارنده توسعه پایدار روستایی است که رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج تحلیل عاملی حاکی از این موضوع است که چالش‌های توسعه پایدار روستایی در ایران در ده عامل به شرح زیر خلاصه می‌گردند:

عامل اول به نام «ضعف در صنعت گردشگری روستایی» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۴/۵۸) که از سایر عوامل بیشتر است - ۱۳/۹۰ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. بر اساس گزارش سازمان گردشگری جهانی، ایران از نظر جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی رتبه بالایی (رتبه ۱۰) در نظام گردشگری جهانی در سال ۲۰۰۰ میلادی را به خود اختصاص داده است که بسیاری از این دیدنی‌ها در مناطق روستایی قرار دارند، اما از نظر تعداد گردشگر، رتبه پایین ۶۸ را به خود اختصاص داده است (بخشی‌جهرمی و توحیدیان‌فر، ۱۳۸۸). هرچند با توجه به شرایط هر کشور یا منطقه، موانع توسعه گردشگری روستایی متفاوت هستند، اما به طور کلی، موانع عمده در اجرای برنامه‌های توسعه گردشگری عبارت هستند از موانع ساختاری و سازمانی، فرهنگی و اجتماعی، بازار، زیربنایی، آموزشی و کمبود نیروی انسانی متخصص (مدهوش و ناصری‌پور، ۱۳۸۲).

عامل دوم به نام «مدیریت نادرست اراضی» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۳/۳۲)، مقدار ۱۰/۰۸ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. پراکندگی و قطعه‌قطعه بودن اراضی کشاورزی یکی از مسائلی و مشکلاتی است که کشورهای مختلف جهان، حتی کشورهای پیشرفته و توسعه یافته نیز با آن مواجه می‌باشند و یکی از موانع توسعه کشاورزی محسوب می‌شود (دین‌پناه، ۱۳۸۸). به طوری که کوچکی و پراکندگی اراضی مانعی در بهره‌وری کشاورزی، مکانیزاسیون، مدیریت آب و کشاورزی پایدار، و باعث چند پایگاهی و مهاجرت، استثمار مضاعف و عدم بهره‌مندی از خدمات ترویج کشاورزی می‌گردد (فعلی و همکاران، ۱۳۸۸).

عامل سوم به نام «نارسایی‌های نظام ترویج کشاورزی» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۹۵)، مقدار ۸/۹۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. با گذشت حدود نیم قرن از آغاز فعالیت نظام ترویج کشاورزی رسمی در کشور، امروزه بیش از هر زمان دیگر این نهاد توانمندساز در حوزه علمی-اجرایی در معرض اظهارنظر، انتقاد، بحث و مجادله قرار داشته و چگونگی عملکرد آن مورد ارزیابی و قضاوت قرار گرفته است (Omani & Chizari, 2010).

قرار دادن مقدار ویژه ۱ برای تعیین تعداد عامل‌ها)، ده عامل استخراج شدند. در جدول شماره ۳ تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس هر یک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس عوامل بیان شده است.

مشخصه ویژه که در واقع مجموع مجذورات بارهای عاملی هر عامل است، واریانس تبیین شده به وسیله آن عامل را تبیین می‌کند. این مقدار کل واریانس، ریشه مشخصه یا ارزش ویژه عامل است که هر چقدر ارزش ویژه عاملی زیاد باشد آن عامل واریانس بیشتری را تبیین می‌کند. بر مبنای این مقدار و بعد از چرخش عاملی به روش واریماکس، در تحقیق حاضر ده عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شدند که به ترتیب گزارش حداکثر واریانس مرتب شده‌اند. این عامل‌ها با توجه به ماهیت بازدارندگی توسعه پایدار روستایی در ایران نام‌گذاری شدند.

نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن است که مؤلفه‌های بازدارنده توسعه پایدار روستایی به عامل‌های (۱) ضعف در صنعت گردشگری روستایی، (۲) مدیریت نادرست اراضی، (۳) نارسایی‌های نظام ترویج کشاورزی، (۴) فقدان مشارکت جوامع محلی در برنامه‌های توسعه روستایی، (۵) محیط سیاسی حاکم بر بخش کشاورزی، (۶) غفلت از دانش بومی روستاییان، (۷) عدم توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در روستاها، (۸) بهره‌برداری بیش از حد از منابع تولید، (۹) محیط مالی و اداری حاکم بر کشور، و (۱۰) فقدان زیرساخت‌های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها دسته‌بندی می‌شوند که عامل اول یعنی «ضعف در صنعت گردشگری روستایی» بیشترین سهم (۱۳/۹۰) و عامل دهم یعنی «فقدان زیرساخت‌های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها» کمترین سهم (۴/۹۹) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارند. بنابراین، «ضعف در صنعت گردشگری روستایی» با مقدار ویژه ۴/۵۸ چالش اول توسعه پایدار روستایی می‌باشد.

بمٹ و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که عدم هماهنگی بین دستگاه‌های تولیدی، توزیع و مالی در زمینه‌های کشاورزی متغیر بازدارنده‌ای است که رتبه اول را در بحث توسعه پایدار روستایی به خود اختصاص داده است. فقدان سازمان اجرایی مناسب برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در روستاها، عدم اعتقاد مسئولان دولتی به مشارکت جوامع محلی در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی، عدم برقراری رابطه منطقی شهر - روستا برای تهیه خدمات اقتصادی -

توسعه پایدار یا الگوی زیست محیطی توسعه، مطرح می باشد، بر اساس تعریف سازمان خواروبار جهانی، توسعه پایدار زمانی حاصل می شود که فناوری هایی که در روند توسعه روستایی به کار گرفته می شوند، نخست باید با سطح دانش روستاییان تناسب داشته باشد و دوم مورد پذیرش جامعه روستایی قرار گیرد. بنابراین توجه کافی به دانش بومی به عنوان یکی از راهکارهای عمده نیل به توسعه در جامعه روستایی، به طور کلی، توسعه زیست محیطی به صورت اختصاصی مطرح می باشد (بوذرجمهری، ۱۳۸۵).

عامل هفتم به نام «عدم توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی در روستاها» نام گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۳۳)، مقدار ۷/۰۸ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می کند. عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران به فرهنگ سرمایه گذار در کشور برمی گردد و آن این است که سرمایه گذاران بخش خصوصی به بازگشت سرمایه مطمئن نیستند. بنابراین، کلیه فعالیت ها توسط دولت و با بودجه دولتی انجام می گیرد (اریسان، ۱۳۸۲).

عامل هشتم به نام «بهره برداری بیش از حد از منابع تولید» نام گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۲۱)، مقدار ۶/۷۱ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می کند. با توجه به محدودیت های منابع آب و خاک، از این منابع پایه ای در محیط روستایی به شیوه ای مناسب استفاده نمی شود. به طوری که با توجه به محدودیت های منابع آبی و توزیع مکانی نامناسب آن در پهنه جغرافیایی کشور، متأسفانه بهره وری و کارایی استفاده از این منابع بسیار پایین است. تجزیه و تحلیل شاخص های مصرف آب در بخش کشاورزی نشان دهنده تلفات زیاد آب در این بخش (احسانی و خالدی، ۱۳۸۲) به واسطه دلایلی همچون تلفات انتقال آب از منبع به محل مصرف، تلفات زیاد آب در مزارع کشاورزی، نامناسب بودن شکل و اندازه مزارع در رابطه با میزان آب و نحوه آبیاری، عدم آگاهی کشاورزان از بهینه سازی مصرف آب و عدم استفاده از شیوه های مناسب آبیاری، راندمان آبیاری پایین و تلفات آب آبیاری بسیار زیاد است (کشاورز، ۱۳۷۹). در مبحث فرسایش خاک نیز فائو در سال ۲۰۰۰ میلادی، تخریب خاک زراعی در ایران توسط کشاورزان را به علت فعالیت های کشاورزی (مدیریت نادرست کشاورزی) با درجه تخریب شدید و خیلی شدید، ۷/۳ میلیون هکتار در طی سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ گزارش کرده است (Bot et al., 2000). (FAO 2001) فعالیت های انسانی مؤثر در تخریب خاک را بهره برداری نامناسب از اراضی، شیوه های مدیریت ضعیف حاصلخیزی خاک، بیابان زایی، حذف رشد و نمو گیاهی، استفاده زیاد از ماشین آلات سنگین، چرای

اسدی روستایی (۱۳۸۰) نیز بیان می کند که ترویج کشاورزی در ایران در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و هنوز نتوانسته است از لحاظ انتخاب رهیافت ها و شیوه های ترویجی، تدوین اهداف و وظایف، سازماندهی ساختار و تشکیلات خود را رشد دهد. نتایج تحقیق وی نشان داد که تقریباً ۳۲ درصد خبرگان ترویج (مسئولان قسمت ها، کارشناسان ارشد و کارشناسان سازمان مرکزی ترویج کشاورزی)، تغییرات نظام ترویج ایران از انقلاب تا به حال را منفی ارزیابی می کنند.

عامل چهارم به نام «فقدان مشارکت جوامع محلی در برنامه های توسعه روستایی» نام گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۷۱)، مقدار ۸/۲۳ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می کند. امروزه، موضوع مشارکت روستاییان و سازوکارهای جلب و به کارگیری آن ها در برنامه های توسعه روستایی مهم تلقی گردیده و مفهوم جدیدی از توسعه، با عنوان توسعه مشارکتی وارد ادبیات توسعه شده است (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰). بنابراین مسئله مشارکت روستاییان و راهکارهای جلب مشارکت و به کارگیری آنها در برنامه های توسعه روستایی که در برنامه های قبلی نادیده گرفته شده بود و به طور عملی باعث شده بود تا قشر وسیعی از افراد ساکن در مناطق روستایی از فرآیند توسعه و برنامه ریزی کنار گذاشته شوند، مورد توجه شده است (فمی و همکاران، ۱۳۸۳).

عامل پنجم به نام «محیط سیاسی حاکم بر بخش کشاورزی» نام گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۶۶)، مقدار ۸/۰۸ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می کند. پشتیبانی سیاسی در سطوح عالی به الزامات توسعه پایدار روستایی می باشد، ولی اغلب یا وجود نداشته و یا کوتاه بوده است. موفقیت در توسعه پایدار روستایی مستلزم پایداری حمایت ها در سطح بالا و بلندمدت می باشد. در مناطقی که اراده سیاسی برای انجام توسعه پایدار روستایی ضعیف باشد، تلاش در جهت تقویت آن ضروری می باشد. کریم و هاشمی (۱۳۸۸الف) ریشه این موضوع را در تمرکز بالا در نظام مدیریتی بیان می کنند.

عامل ششم به نام «غفلت از دانش بومی روستاییان» نام گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۶۰)، مقدار ۷/۹۰ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می کند. یکی از علل عمده شکست برنامه های توسعه روستایی، عدم شناخت لازم از محیط روستایی و به نادان به آموخته ها و تجربیات آنان است. مصلحان جامعه روستایی با اعتقاد به اینکه فقط دانش نوین می تواند زندگی روستایی را متحول کند با آنان برخورد می نمایند و در عمل مواجه با عدم پذیرش و یا عدم کارایی آموخته های خود در حل مسایل شده اند. امروزه که مدل

روند سیاسی حاکم بر تصمیم‌گیری‌ها در بخش کشاورزی، عدم توجه به محیط‌زیست در برنامه‌های توسعه روستایی، فقدان سازمان اجرایی مناسب برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در روستاها، بهره‌برداری بیش از حد از منابع خاک که منجر به فرسایش آن شده است، بروکراسی شدید اداری حاکم بر کشور و فقدان زیرساخت‌های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها»، به ترتیب، مهم‌ترین متغیرها در هر یک از عوامل مذکور هستند.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت بازدارندگی این متغیرها در بحث توسعه پایدار روستایی توصیه می‌گردد تا نهادهای متولی امر، نگاه ویژه‌ای به موانع و مؤلفه‌های بازدارنده شناسایی شده داشته باشند. چه بسا برخی از آن‌ها از قبیل بهره‌برداری بیش از حد از منابع خاک به واسطه آموزش و آگاه‌سازی، برخی به واسطه به‌سازی سازمانی از قبیل تشکیک کشاورزی، برخی به واسطه رفع مشکلات قانونی از قبیل تشکیک تعاونی‌های تولید کشاورزی برای حل معضل پراکندگی اراضی، تشویق مردم محلی برای مشارکت در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه روستایی به واسطه مشوق‌ها، حمایت از کارآفرینی‌ها در زمینه گردشگری روستایی و توسعه صنعتی نواحی روستایی بر اساس پتانسیل‌های خاص محلی و برقراری شبکه مناسب شهر-روستا به واسطه شهرک‌ها برای ارائه خدمات به نواحی روستایی قابل حل می‌باشند.

منابع و مآخذ

۱. احسانی، م.، و خالدی، ه. (۱۳۸۲). بهره‌وری آب کشاورزی. چاپ اول. تهران: انتشارات کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. صفحات ۲۷-۲۵.
۲. ادیب، س.، روستا، ک.، سوری، ن.، و بهبودی، ه. (۱۳۸۸). تلفیق دانش بومی و دانش نوین، گامی در جهت توسعه پایدار روستایی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۳. اربسیان، ن. (۱۳۸۲). اگر گردشگری و نقش آن در توسعه روستایی. مترجم ع. عالی منش. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستاییان وزارت جهاد سازندگی. صفحات ۴۵-۴۰.
۴. ازکیا، م.، و غفاری، غ. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه. چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان. صفحات ۱۹-۱۴.
۵. ازکیا، م.، و غفاری، غ. (۱۳۸۸). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. چاپ اول. تهران: نشر نی. صفحه ۲۸.
۶. اسدی روستایی، س. (۱۳۸۰). وضع عمومی نظام ترویج کشاورزی ایران بر اساس مدل AGIL پارسونز. نشریه دهاتی، سال ۴، شماره ۵۲. صفحات ۸-۱.

مفرط، تناوب زراعی ناصحیح و شیوه‌های ضعیف آبیاری بیان می‌کند. عامل نهم به نام «محیط مالی و اداری حاکم بر کشور» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۲/۱۷)، مقدار ۶/۵۸ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. مجموعه موانعی هستند که در موانع مالی، اداری، تشکیلاتی و بروکراسی افراطی حاکم در وزارت‌خانه‌های ذی‌ربط و نهادهای متولی توسعه روستایی ریشه دارند و به طور مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های مربوط به توسعه پایدار روستایی تأثیر منفی می‌گذارند.

عامل دهم به نام «فقدان زیرساخت‌های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه (۱/۶۴)، مقدار ۴/۹۹ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. یدقار (۱۳۸۳) معتقد است که ضروری است تا جامعه روستایی از یک محیط صرفاً طبیعی که غالباً بستر نوعی آرمان‌خواهی مبتنی بر گذشته است به محیطی کمابیش فنی در کانون‌های شهری که گستره واقع‌گرای مبتنی بر آینده است، تحول یابد. بر این اساس باید تقسیم‌کار در جامعه روستایی پیچیده‌تر شود و روستا صرفاً جایگاه بخش کشاورزی نباشد، بلکه شرایط لازم برای پیدایش و گسترش بخش‌های نوین اقتصادی از قبیل صنعت در جامعه روستایی فراهم شود تا مازاد اقتصادی به دست آید و تشکیل سرمایه امکان‌پذیر شود و بدین ترتیب روستاها نیز از رشد و توسعه‌ای درون‌زا و پایدار برخوردار شوند. این نتایج با نتایج تحقیقات کریم و هاشمی (۱۳۸۸الف) در شناسایی چالش‌های زیست محیطی و شیوه مدیریت منابع پایه؛ کریم و هاشمی (۱۳۸۸ب) در شناسایی چالش‌های مربوط به آب و خاک؛ شفق و همکاران (۱۳۸۸) در شناسایی چالش‌های بهره‌برداری بی‌رویه و غیراصولی از منابع آب و خاک، مشارکت کم روستاییان، عدم توجه به ملاحظات زیست محیطی روستایی، عدم توجه به دانش بومی در برنامه‌های توسعه و عدم وجود فرصت‌های برابر توسعه در بین جوامع شهری و روستایی؛ یدقار (۱۳۸۳) در شناسایی چالش‌های عدم گسترش بخش‌های نوین اقتصادی، نابسامانی در مدیریت سرزمین و کاربری اراضی، عدم ارتقاء بهره‌وری از منابع پایه‌ای تولید در محیط روستایی و دشواری‌های مشارکت و تشکیل سرمایه اجتماعی؛ و Kalantari et al (2008).

در شناسایی چالش‌های زیست-محیطی و زیرساختی مطابقت دارد. در نهایت اینکه متغیرهای «فقدان مهارت‌های ادراکی در مدیران و سیاست‌گذاران درباره گردشگری روستایی، پراکندگی اراضی روستاییان، فقدان شبکه گسترده خدمات ترویج کشاورزی با پوشش کافی برای مخاطبان، دیکته برنامه‌ها از بالا به پایین،

۷. اوکلی، پ.، و مارسدن، د. (۱۳۷۰). رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی. مترجم م. محمودنژاد. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی. صفحه ۱۹.
۸. بخشی جهرمی، الف. و توحیدیان فر، س. (۱۳۸۸). گردشگری پایدار روستایی: چالش ها و راهکارها. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۹. چالشگر، ل.، و برادران، م. (۱۳۸۸). نقش دانش بومی در توسعه پایدار روستایی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۱۰. دشتی، س.، منوری، س. م.، و سبزیبایی، غ. (۱۳۸۷). راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با استفاده از ارزیابی توان محیط زیست حوضه آبخیز زاخرد. مجله علوم محیطی، سال ششم، شماره دوم، صفحات ۷۷-۸۶.
۱۱. دین پناه، غ. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل شالیکاران شهرستان ساری نسبت به یکپارچه سازی اراضی. مجله ترویج و اقتصاد کشاورزی، سال دوم، شماره ۴، صفحات ۳۹-۵۲.
۱۲. شفقت، الف.، نازکنبار، ح.، و احمدی فیروزجایی، ع. (۱۳۸۸). بررسی چالش های عملی توسعه پایدار روستایی در استان مازندران. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۱۳. شمس، ع.، انصاری، الف.، و فکری مهین، ش. (۱۳۸۸). کوچکی، پراکندگی و قطعه قطعه بودن اراضی زراعی چالش مهم کشاورزی پایدار. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۱۴. صالحی، ل. (۱۳۸۸). نیمه تاریک مشارکت در برنامه های توسعه روستایی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۱۵. فعلی، س.، پزشکی راد، غ.، و چیدری، م. (۱۳۸۸). چالش ها و مشکلات بهره برداران دهقانی خرده مالک. فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صفحات ۳۲-۲۶.
۱۶. فمی، ح.، علی بیگی، الف. ح.، و شریف زاده، الف. (۱۳۸۳). رهیافت ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی. تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران. صفحات ۱۲۱-۱۲۰.
۱۷. کشاورز، ع. (۱۳۷۹). توصیه هایی بر سیاست ها و برنامه های آب و آبیاری در ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان ترویج کشاورزی. صفحات ۹-۱۰.
۱۸. کلانتری، خ. (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی. چاپ اول. تهران: مهندسیین مشاور طرح و منظر. صفحه ۱۶۹.
۱۹. کریم، م. ح.، و هاشمی، الف. (۱۳۸۸). نظرسنجی از روستاییان (دهستان جزینک سیستان) در مورد چالش های توسعه پایدار روستایی.
- مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۲۰. کریم، م. ح.، و هاشمی، الف. (۱۳۸۸). نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش های توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی دهستان ساروق، شهرستان اراک. فصلنامه روستا و توسعه، سال دوازدهم، شماره دوم، صفحات ۱۷۸-۱۵۵.
۲۱. کلانتری، خ.، اسدی، ع.، و چوپچیان، ش. (۱۳۸۸). تدوین و اعتبارسنجی شاخص های توسعه پایدار مناطق روستایی. مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم، صفحات ۸۶-۶۹.
۲۲. محبوبی، م. (۱۳۸۸). چالش های مشارکت جوانان در برنامه های توسعه پایدار روستایی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی (CD). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۲۳. مخدوم، م. (۱۳۸۴). شالوده آمایش سرزمین. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صفحه ۴۴.
۲۴. مدهوش، م.، و ناصرپور، ن. (۱۳۸۲). ارزیابی موانع توسعه صنعت گردشگری در استان لرستان. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۸، صفحات ۸۵-۲۵.
۲۵. یدقار، ع. (۱۳۸۳). روند تحول و چالش های عمران و توسعه روستایی در ایران. پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۸، صفحات ۹۰-۷۱.
26. Bot, A. J., Nachtergaele, F. O., & Young, A. (2000). *Land resource potential and constraints at regional and country levels*. Rome: FAO. 5-7.
27. FAO. (2001). *Soil fertility management in support of food security in sub-Saharan Africa*. Rome: FAO. 10.
28. Kalantari, K., Shabanali-Fami, H., Asadi, A., Qasemi, I., & Chubchian, S. (2008). Major challenges of Iranian rural communities for achieving sustainable development. *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 3(4), 724-728.
29. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
30. Madu, A. I. (2007). Case Study: The underlying factors of rural development patterns in the Nsukka region of southeastern Nigeria. *Journal of Rural and Community Development*, 2(2), 110-122.
31. Ommani, A. R., & Chizari, M. (2010). *Sustainable water resources management and agricultural extension mechanisms*. 1st Edition. Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

32. Rivera, M. W., & Qamar, K. M. (2003). Agricultural extension, rural development and the food security challenge. Rome: FAO. 14-16.

Archive of SID